درس 21-آیا می توانی به مهمانی بیایی؟

سلام!

واشنگتن دی سی چندتا کافی شاپ باحال داره.

یکی از کافی شاپ های مورد علاقه ی من Busboys و Poets هستن.

راستش رو بخواین چیزایی بیشتر از کافی شاپ هم وجود داره.

حتی کتابفروشی، رستوران و یه تئاترم وجود داره!

من و مارشا عاشق اینیم که بیایم اینجا!

سلام آنا، دوست من شنبه یه مهمونی گرفته.

میتونی همرام بیای؟

ببخشید، نمیتونم همرات بیام

باید گواهینامه رانندگیم رو بگیرم

یعنی کل روز رو سرت شلوغه؟

نمیدونم

اولش باید پشت کامپیوتر امتحان بدم

بعدش باید تو ماشین امتحان بدم

مثل اینکه باید کل روز رو در حال امتحان دادن باشی، مگه نه؟

آره

مهمونی شبه

اوه

پس میتونم شنبه شب همرات بیام مهمونی

عالیه!

من باید واسه مهمونی به دوستم کمک کنم

میتونی همراهیم کنی؟

حتما

مثل سرگرمی میمونه

هرکی باید یا یه چیزی بیاره یا یه چیزی انجام بده

تو میتونی یا غذا بیاری، یا اینکه نمایش اجرا کنی

جدی، میتونم نمایش اجرا کنم؟

آره میتونی!

میتونی؟

بله!

میتونم شعر از حفظ بخونم

(آنا توی یک کلوپ در حال شعر خوندنه)

یه شعر

تیره روشن

تیره روشن

تیرگی

تیره

تو این کشور، هیشکی تو مهمونی شعر نمیخونه

میتونی یه چیز دیگه انجام بدی؟

هـــوم، آره

میتونم شعبده بازی کارت انجام بدم

کارت شما 10 تا الماس داره!

نه؟

یه کارت انتخاب کن

هر کارتی

بیا، اینو بردار

عالیه!

آنا، شاید بهتر باشه همون غذا بیاری

نه، نمیتونم آشپزی کنم

من واقعا دلم میخواد یه چیزی اجرا کنم

میدونی چیه، یه چیزی هست که میتونم انجامش بدم

درگیری ذهنی

من غمگینم

ولی دلم نمیخواد همیشه غمگین باشم

خورشید بعضی روزا برخلاف من خواهد درخشید

خودشه!

میتونی تو مهمونی بخونی

خب، من مجبورم برم واسه غذا خرید کنم

میخوای کمکت کنم؟

فعلا سرم شلوغ نیست

حتما، بدو بریم!

ما دیگه باید بریم

من میخوام به خریدِ مارشا کمک کنم

و باید واسه آهنگم تمرین کنم!

درگیری ذهنی

من غمیگنم

فعلا تا دفعه ی بعد!